

تبصره ۲ - مانن صاحب از خانواده

اصولاً
متمیات مراجع عالی آلت های دینی در اصول تحفه

از جمله نکات، طلاق - معتبر

توسط محاکم قضایی بدون رعایت تشریفات
تنفیذ و اجرای شود.

شرایط اجرای آن دادگاه خارجی در ایران

می باشد اختصاص به محاکم ایران نداشته باشد.

طلاق

دادگاه سوئیس به درخواست زن و شوهر زرتشتی ایرانی مقیم آن کشور که در عین حال تابعیت سوئیسی هم دارند، حکم طلاق صادر می کند و طلاق با رعایت مقررات و موازین دین زرتشتی و قوانین سوئیس ثبت می شود. در خصوص اعتبار و اجرای این حکم از لحاظ قوانین ایران، کدام مورد صحیح است؟

(۱) حکم طلاق، نیازمند بررسی و تنفیذ توسط مراجع عالی زرتشتی و دادگاه صلاحیت دار ایرانی است. ✓

(۲) حکم طلاق صادره، نیازمند بررسی و تنفیذ توسط دادگاه صلاحیت دار ایرانی است. ✓

(۳) حکم طلاق، نیازمند بررسی و تنفیذ توسط مراجع عالی زرتشتی است. ✗

(۴) حکم طلاق، در ایران اعتبار دارد و قابل اجرا است. ✗

آنا مگا ه ه شخص حقیقی

ماده ۱-۲ قانون صفتی

ملک در شخص در آن ملک داشته در مرکز محم اسور

اسر عمل ملک در مرکز محم اسور کی جانبدارند.

↓ آنا مگا ه

آنا مگا ه شخص حقیقی ۱-۲ مرکز عملیات (اداری، عمل اداره) عمل اداره
۵۹۰ عمل اداره شخص حقیقی

ماده ۱-۳ هیچ کس نمی تواند بیش از یک آنا مگا ه حقیقی داشته باشد.

آنا مگا ه قراردادی - اسر ضمن معامله یا قرارداد - اجرای تعهدات قراردادیه جای غیر
هم شخص حقیقی
هم شخص حقیقی
دعای رابع به همین قرارداد
ابداع اوراق - همین ملک که غیر از آنا مگا ه واقعی است

۱۰۵ - در مواردی مانده، اما نگاه راقین کرده

زن شوهر دار - همان اما نگاه شوهر

(اثبات زوجت)
ظنم این است
را ندارد

ماده ۱۲ مانده است از خانواده - در دعای دادر خانوادگی
دارگاه صالح: خواندن زوج است - تابع مانده این دادرسی

حل اقامت زوج

حل سکونت زوج

در عریضه منقول - حل دفع عقد هم می تواند

در عریضه غیر منقول - دارگاه خانواده حل دفع مال غیر منقول

ناروحت زوج - اگر منعقد مهریه، غیر از زوج باشد مثلاً پدر شوهر

دارگاه عمومی صالح است - طبق این دادرسی مدنی

اگر شوہر امانگاہ معلومی نہ دارد۔
۳۔ امانگاہ زن ہے مرکز جمع اور زن
کہ مدّ غایب مقتدر الارض

امانگاہ زن نائزہ ہے امانگاہ شوہر^{حان}

زنی بہ موجب قانون { مکن جداگانہ اختیار دہ
یا رضائے شوہر }
↓ امانگاہ ہے مرکز جمع اور زن

امانگاہ زن محصور ہے امانگاہ دلی یا قسم
~~شوہر نہ~~
۱۰۶۔ امانگاہ صفیر و محصور ہے حمان امانگاہ دلی یا قسم

۱۰۷۔ تائیدین درستی ہے حمان محلی بہ دران جاہ تائیدین ثابت دارد۔

۱۰۸۔ ارزاد نظامی بہ درساخو دستدے محل ساخو ہے (پادگان)

۱.۹ - اشخاص بزرگ که معمولاً نزد درباری کار یا خدمت می‌کنند
 صغیر نیستند
 در منزل کار می‌رسانند یا مخدوم خود سکونت می‌کنند
 هر آن شرط با هم
 که همان آنانست که کار می‌رسانند یا مخدوم

حجر:

احلی استینا - احلی اجرای حق

که هر کس احلی استینا ندارد - محجور

احلی استینا

بلوغ = صغیر - دوازده سال تمام نمی‌رسد
 عقل = مجنون - به هر درجه باشد موجب حجر است
 مجنون: فردی که در عاقل و ادانی است تا حد اراده یا قوه تمیز باشد.

رشد در امور مالی رشد هم لازم است
ل = سفر

سفته هم نفع و ضرر معاملات را تشخیص نمی دهد.

حجرت
حمایتی به خاطر عدم بلوغ، عجز، سفته
از صورت خودی در برابر
بسیار اخصای حمایت کنیم.

سود طنی به معجزه سود طنی دارم
از صورت ثالث در برابر
مجزر حمایت کنیم

مجلس در جلسه
استماع کردند و او را
طلبکاران ضرر می کنند

حجرت (خالی)
ل = منظور حجر حمایتی است.

بلوغ $\neq$ صفرین

بالغ $\neq$ صفر

تخصیص نمی دهند.

صفر غیر صفر

صفر

صفر صفر

صفر صفر

اگر در سوال نقطه است صفر $\rightarrow$ صفر غیر صفر

صفر بودن
مبدأ ضابطه

- اصل عدم

عقل $\neq$ جنون

عادل $\neq$ جنون

اطباعتی ہے جسے درحال جنون

جنون = اداری - بعضی وقت ہمارے حال افاتہ (سالم)

بعضی وقت ہمارے حال جنون

معاملات درحال افاتہ ہے صحیح

معاملات درحال جنون ہے باطل

عمر نڈانیم درجہ حالی معاملہ انجام دہے اصل پر حال جنون

محصور ہے خودی اہل استیفا ندارد

↓
دی

عربی خاص نداشت ہے ضم

امور قیمہ دست → مادہ ۱۲۱۸ قانون صوبہ محکمہ

مدار دی کہ نصب قیم لازم است۔

① صفاری کہ دلی خاص ندارند۔

② مجاہدین، راجہ خاص غیر راجہ کہ صوبہ یا عدم راجہ مقل بہ صفر بودہ
دلی خاص ندارند۔

③ مجاہدین، راجہ خاص غیر راجہ کہ صوبہ یا عدم راجہ مقل بہ صفر نباشند

قاعدہ: کسی کہ دلی دارد قیم نیاز ندارد۔

دلی قہری = پدر و جد پدری

دلی خاص = پدر، جد پدری، دمی صوبہ از
سوی قہری از ایران

مجنون ← بالغ شده = حیضان مجنون

له مجنون یا عدم رشد متصل به صفر

فاصله انداخته

بعد از بلوغ یک لحظه هم رشد نشده
کافی است یک لحظه
عائل در رشد شده

بعد دوباره مجنون یا سفید شده = مجنون یا عدم رشد متصل به صفر نیست

در جای که مجنون یا عدم رشد متصل به صفر باشد

ولی سمت خود را حفظ می کند

در جای که مجنون یا عدم رشد، متصل به صفر نباشد .

یعنی زمانی فردی اصلی بسیار کرده = ولی سمت را از دست داده

ولی مهری

نه قبل از دست در زبان میاست

که ولایت مهری به قابل و الذاری نیست

نه بعد از فوت (وصای)

وصی - تمام احکام و اختیارات ولی را ندارد.

ماده ۱۱۸۳ به تازن مدنی

ولی مدلل به امور احوال و صورت مالی به نمایندگی قانونی مهری علیه

مدیر { در عرض هم به بصیرت استقلالی

حیدری

معامله متعارض نسبت به احوال مهری علیه

که هر کسی زودتر انجام داده

تا به هر چه مجهول به هر ۲ ساقط می شود.

تا به کلی معلوم نمی مجهول { معلوم مملکت محل
تقدم و تاخر هم نمی داریم

اصل تاخر حاکم است

ماده ۱۱۸۳

بدربا جدیدی

الریلی ازان ها مجبر باشند
یا
ممنوع از تصرف در اموال مری علیه
ولاست عاذهی
اوسا قواسود

دادستان کلن است

ماده ۱۱۸۵ - هر چه -
با حشرات - برود دنبال یقین میم .

ماده ۱۱۸۴

ولی قهری رعایت عجله و صحت مفیر انمائید
یا
به بنامهای
یا
ریش حوزة قضا
عزل ولی قهری +
مرتکب انتهای شود در هر بضر مری علیه

۱) ولی را عزل می کنند

۲) از تصرف در اموال مری علیه ممنوع

۳) یقین میم

اگر دلی تهری / بکرسن
 یا اسال آن / به بیماری
 قادر به اداره اسال مولی علیه نباشد
 +
 شخصی را برای این کار تعیین نکرده

همزمان داری هست.
 این به دلی تهری منضم می‌گردند
 (منضم این)
 به تنهایی هیچ کاره

ماده ۱۱۸۷
 اگر دلی تهری منحصر
 نتواند به اسال مولی علیه رسیدگی کند.
 +
 به واسطه غیبت یا حبس

کسی هم از طرف خود تعیین نکرده

حاکم یک نفر به پیشنهاد دادستان برای تصدی اداره اسال عدل تعیین می‌کند
 موقتاً (این وقت)

ولی نهی - می‌تواند هر جور معامله از جانب ولی علیه انجام دهد.

صلوات عظمه در صلوات نباشد

۱۱۸۴ اگر صلوات انجام داد - از شرایط عزل

در مسئله محجور نیست - حق نفرت در احوال فدرسی را ندارد

{ برای می‌تواند ضامن شود
می‌تواند از تکلیف کند ... اگر سکه محرمه
مصدق شود

صحیح است - به ضرر طلبکاران نیست.

قاعده - طلبکاران بعد از ظلم در تسکین، قاطعاً غرض نمی‌شوند.
از حصه غرضای هم نمی‌برند.